

روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تا کنون در شهر تهران

احمد پورا احمد*، فاطمه سالاروندیان**

چکیده: یکی از انواع فضاهای عمومی شهر، فضاهای گذران اوقات فراغت می‌باشد. مهم‌ترین علت تفاوت فضاهای فراغتی در شهرهای اسلامی با سایر شهرها، تأکید دین اسلام بر مساله جنسیت در فضاهای عمومی و رعایت اصل تفکیک جنسیتی و تعیین شرایط و ضوابط خاص برای حضور زنان و مردان در این فضاهاست. تهران به عنوان مهم‌ترین کلان شهر ایران و پایتخت یک کشور اسلامی از گذشته تا کنون شاهد تغییرات زیادی در سیمای فضاهای فراغتی خود بوده است. در این مقاله با تکیه بر دو نوع روش تحقیق تاریخی و نیز روش تحقیق توصیفی-تحلیلی سیر تاریخی مساله جنسیت و فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از زمان قاجاریه تا کنون در تاریخ شهر تهران بررسی گردد و نقش فرهنگ اسلام و ویژگی‌های تاریخی-سیاسی در تغییرات حضور زنان در فضاهای فراغتی شهر تهران از آن دوره تا کنون نشان داده شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فضاهای فراغتی شهر تهران بر اساس جنسیت، از دوره قاجار تا دوره معاصر را می‌توان به سه دسته فضاهای فراغتی کاملاً زنانه، فضاهای فراغتی کاملاً مردانه و فضاهای فراغتی مردانه/زنانه تقسیم کرد. حضور زنان در هر کدام از این فضاهای فراغتی متفاوت از دیگری بوده است. بررسی‌ها نشان داد حضور زنان در فضاهای فراغتی که متعلق به هر دو جنس می‌باشد نسبت به گذشته بیشتر شده و در عین حال فضاهای فراغتی منحصر به یک جنس نیز در این دوره بازتولید شده‌اند که می‌توان به پارک بانوان، پارک‌های آبی، سالن‌های اجرای موسیقی منحصرأ برای بانوان و استادیوم‌های ورزشی برای مردان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: تفکیک جنسیتی، جنسیت، زمان قاجاریه، فضای فراغتی، فضاهای عمومی.

apoura@ut.ac.ir

* استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

** دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

fsalarvandian@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۳۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

زنان به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های ساکن در شهرهای اسلامی به شمار می‌آیند. آمارها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۱۵ یک دوم تا دو سوم زنان مسلمان در شهرها زندگی خواهند کرد. افزایش مهاجرت و شهرنشینی نتایج عمیقی بر زنان مسلمان در فضاهای عمومی و اجتماعی گذاشته است [۲۶]. یکی از شرایط حضور زنان در فضاهای شهری در جوامع اسلامی رعایت اصل تفکیک جنسیتی و جداسازی آنها از مردان می‌باشد. این ویژگی تأثیر بسیار زیادی در ساخت فضاهای شهرهای اسلامی داشته است. یکی از انواع فضاهای عمومی در شهر، فضاهای فراغتی می‌باشند. در این مقاله به بررسی تحولات فضاهای گذران اوقات فراغت زنان در تهران از دوره قاجار تاکنون پرداخته می‌شود. بررسی ویژگی‌های فضاهای شهری با کارکرد گذران اوقات فراغت یکی از کانون‌های توجه جغرافیدانان و برنامه‌ریزان شهری می‌باشد. هرچند این فضاها از دیرباز کم و بیش در عرصه‌های شهری وجود داشته است اما باید گفت اوقات فراغت، عرصه‌ی اجتماعی نوینی است که در بستر مدرنیته، تغییرات فرهنگی - اجتماعی معاصر و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی، معنا و اهمیت یافته است. فراگیر شدن عناصر نوسازی به ویژه فرآیند صنعتی شدن، موجب ازهم گسیختگی و پاره پارگی فزاینده‌ی زندگی روزانه‌ی افراد شده و در نتیجه‌ی تفکیک فزاینده‌ی بین ساعات کاری و غیرکاری به وجود آمده است. از این رو، در جوامع جدید امکان فراغت بیش‌تری برای افراد فراهم شده است و اوقات فراغت به عرصه‌ای رو به گسترش همراه با تنوع روزافزون تبدیل شده است تا جایی که امروزه از تمدن فراغت صحبت به میان می‌آید [۱۴]. گذران اوقات فراغت همانند هر فعالیت فردی و اجتماعی به محیط کالبدی که قابلیت برطرف کردن نیازهای فعالیت و روانی آن را داشته باشد، نیاز دارد [۱۷]. بنابراین یکی از کارکردهای شهر گذران اوقات فراغت است که همچون سایر عملکردها باید در چهارچوب قوانین و مقررات حاکم بر شهر باشد. از آنجایی که قوانین و مقررات حاکم بر شهرهای اسلامی با سایر شهرها متفاوت بوده، بنابراین فضاهای فراغتی در این شهرها نیز متفاوت از سایرین خواهد بود. یکی از قوانینی که فضاهای فراغتی شهرهای اسلامی را از دیگر شهرها

متفاوت ساخته است، دستورات مربوط به شرایط حضور زنان در این عرصه‌هاست. اسلام حضور زنان در فضاهای شهری و نیز فضاهای فراغتی را همراه با شرایط و ضوابط خاصی بدون مانع می‌داند^۱. یکی از مهم‌ترین این شرایط رعایت پوشش اسلامی و تفکیک فضای زنانه از مردانه می‌باشد. بنابراین در شهرهای اسلامی از مهم‌ترین ویژگی‌های عرصه‌های عمومی به طور کل و فضاهای فراغتی به طور ویژه، تفکیک فضا بر اساس جنسیت است. این مسئله شکل و میزان حضور هر جنس را در فضاهای فراغتی دستخوش تغییر کرده و باعث تولید عرصه‌های فراغتی ویژه برای زنان و مردان گردیده است. به عبارت دیگر، آنچه فضاهای شهری به طور کل و فضاهای گذران اوقات فراغت به طور ویژه را شکل داده است در واقع همان نگرش جنسیتی به فضا است. از آنجا که اوقات فراغت به عنوان یک نیاز نوظهور برخاسته از شیوه زندگی مدرن برای هر دو جنس به شمار می‌آید؛ بنابراین چگونگی کیفیت عرصه‌های گذران اوقات فراغت، شکل و میزان حضور زنان و مردان در آنها و عوامل مؤثر بر نحوه حضور هر دو جنس یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان شهری و جامعه‌شناسان محسوب شده و ضروریست مورد مطالعه و بررسی بیشتری قرار گیرد. هدف از این پژوهش نشان دادن تحولات فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از گذشته تاکنون و تحت تأثیر نگرش جنسیتی می‌باشد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه فضاهای گذران اوقات فراغت و میزان حضور زنان انجام شده است. امیرابراهیمی (۲۰۰۶) تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را دارای نوعی تأثیر مثبت و متناقض بر نرخ فعالیت زنان سنتی و پایبند به فرایض اسلامی می‌داند. وی اشاره می‌کند این نوع تفکیک قبل از انقلاب نیز در برخی فضاهای فراغتی همچون سینماها، مراکز تفریح شبانه و رستوران‌ها وجود داشته است.

۱. رجوع شود به احادیث و روایاتی که در قالب شرایط حضور زنان در انواع فضاهای عمومی آورده شده است همچون: حرعاملی، ۱۳۹۷، ج ۱۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲؛ صحیح بخاری ج ۲: ص ۴۰۷ و ۸۱۸، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۰

به عنوان مثال در رستوران‌ها جایی به نام لژ خانوادگی برای خانواده‌ها و نیز دخترانی که تنها به رستوران می‌آمدند در نظر گرفته شده بود تا آنها را از مردان جدا کند. علیزاده (۲۰۰۷) میزان حضور زنان در فضاهای عمومی شهرهای کردنشین را مورد مطالعه قرار داده است. علیزاده مرز بین قلمرو عمومی و خصوصی در میان شهرهای کردنشین را کمرنگ‌تر و امکان مذاکره زنان با قلمرو عمومی را بیشتر از سایر فرهنگ‌های اسلامی دانسته است. صادقی، بلالی و محمدپور (۱۳۸۸) الگوهای فراغتی جوانان ۱۵-۲۹ ساله را با توجه به نابرابری‌های اجتماعی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری‌های اجتماعی اعم از نابرابری‌های جنسیتی، قومیتی و طبقاتی الگوهای متفاوتی از فراغت را به وجود می‌آورد. این پژوهش جنسیتی شدن فراغت را انعکاسی از تقسیم کار و نقش‌های جنسیتی در دو عرصه‌ی عمومی (دنیای مردانه) و خصوصی (دنیای زنانه) زندگی اجتماعی می‌داند. پورمحمدی و سبحانی (۱۳۸۸) دیدگاه‌های گروهی از شهروندان تهرانی درباره نوع، توزیع، تنوع، نحوه دسترسی و مشکلات استفاده از فضای فراغتی در مناطق ۱، ۱۲ و ۲۰ شهر تهران را ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که فضاهای فراغتی مناطق نمونه در سطح نسبتاً قابل قبولی قرار ندارند و شهروندان تهرانی، صرف نظر از پایگاه اقتصادی و اجتماعی، برای بهره‌برداری از امکانات موجود فراغتی شهر با مشکلاتی از قبیل دشواری دسترسی، گرانی و... مواجه هستند. پوراحمد و موسوی (۱۳۸۹) به بررسی ماهیت اجتماعی شهر اسلامی و تفاوت‌های آن با شهر غربی از منظر ماکس وبر پرداخته و یکی از ویژگی‌های اجتماعی مورد بحث درباره شهرهای اسلامی را جدایی‌گزینی و تفکیک جنسیتی فضا معرفی کرده‌اند. در ادامه میزان حضور زنان در عرصه‌های عمومی شهر اسلامی را در مقایسه با شهر غربی کمتر دانسته‌اند. فلاحت و کلامی (۱۳۸۷) به بررسی نقش فضاهای باز شهری در گذران اوقات فراغت پرداخته و مشکلات فضاهای باز شهری ایران را در دو محور کمی و کیفی تقسیم بندی نموده است. آنچه از مطالعات و تحقیقات پیشین به دست می‌آید نشان دهنده اهمیت جنسیت و تفکیک جنسیتی در فضاهای گذران اوقات فراغت از گذشته تاکنون بوده است.

۳. ملاحظات نظری

برخی از منابع غیراسلامی مربوط به عرصه های عمومی در شهر، فارغ از توجه به نقش اسلام و دستورات اسلامی معتقدند که فضاهای شهری به خصوص فضاهای عمومی بر اساس جنسیت شکل گرفته‌اند. در این زمینه جان رنه شورت سیر تکامل فضایی شهر را همیشه جنسیتی دانسته است [۱۰]. آرنه، دیویدف^۲ و همکارانش و نیز ایکه گامی^۳، میزان دسترسی زنان به انواع عرصه‌های عمومی را متفاوت از دیگر گروه‌های اجتماعی می‌دانند و معتقدند که پاره‌ای از گروه‌ها و اقشار اجتماعی، از جمله زنان، به عرصه عمومی دسترسی نداشته و رانده‌شده‌گان از عرصه‌های عمومی هستند و به طور مستقیم بدان دسترسی و مشارکت ندارند؛ اما این بدان معنی نیست که این گروه‌ها و منجمله زنان بر عرصه عمومی تأثیر نمی‌گذارند. دیویدف و همکارانش در این مورد، از نظریه وجود عرصه‌های عمومی جایگزین حمایت می‌کنند. بدین معنی که به نظر می‌رسد، زنان بر اساس این الگو، باید به فضاهای خاصی دسترسی داشته باشند که عمدتاً زنانه بوده و از خلال این فضاها روابطی را شکل دهند که با عرصه عمومی کلی اجتماع در تعامل قرار گیرند. به عبارت دیگر، زنان از درون فضاهای زنانه با عرصه عمومی اجتماعی مرتبط می‌شوند. با توجه به آن که فضا و زمان دو عنصری هستند که به طور توأمان بر ظهور شکل‌بندی فضایی که روابط در آن سامان می‌یابد، تأثیر می‌گذارند؛ احتمالاً با تحولات ایجاد شده در بستر زمان و در صورت دسترسی به فضاهای نوین، باید شاهد تغییراتی در عرصه‌های تعامل و شکل‌بندی روابط اجتماعی زنان باشیم [۱۵، ص ۱۲۷]. اوقات فراغت به زمان‌هایی اطلاق می‌شود که ضرورتی برای کار کردن وجود نداشته باشد. طبق نظر دومازی «اوقات فراغت، مجموعه فعالیت‌هایی است که شخص پس از ارزشیابی از تعهدات و تکالیف شخصی، خانوادگی و اجتماعی خود، با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و قصدش استراحت، تفریح، توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها و مشارکت آزادانه در اجتماع است» [۵].

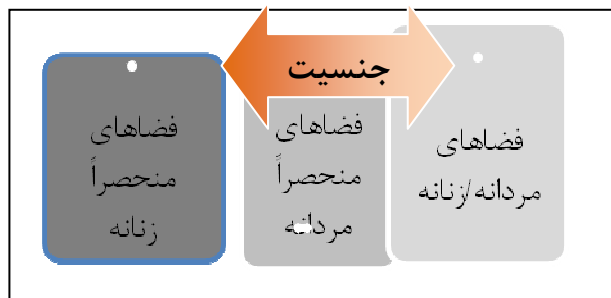
2. Davidoff

3. Ikegami

ص ۱۵۶-۱۵۱]. اصولاً جنسیت یکی از اشکال بارز تمایزات اجتماعی است که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می‌شود [۱۴، ص ۳۸۱].

۴. روش تحقیق

پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که فضاهای فراغتی شهر تهران بر اساس متغیر جنسیت به چه شکلی بوده و از دوره قاجار تاکنون چه تغییر و تحولی داشته است؟ برای بررسی سیر تحولات فضاهای فراغتی زنان در تهران بر اساس هدف از دو روش تحقیق تاریخی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. با تکیه بر روش تحقیق تاریخی از منابع و اسناد تاریخی استفاده شده که منعکس کننده اوضاع سیاسی، اجتماعی و آداب و رسوم مردم تهران می‌باشد؛ مانند سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی مربوط به گذشته تهران. نکته قابل ذکر درباره این بخش این است که با توجه به آنکه بیشتر منابع و اسناد و کتب تاریخی در مورد شهر تهران به‌طور کلی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی آن مربوط به دوره قاجار و از زمان تبدیل شدن آن به پایتخت به بعد و تا حدود کمی دوره صفویه می‌باشد؛ بنابراین بیشتر مطالب استخراج شده مربوط به دوره قاجار و تا حدود کمی دوره صفویه می‌باشد. برای بررسی وضعیت کنونی زنان در فضاهای فراغتی شهر تهران از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و نیز ابزار مشاهده استفاده شده است. بر این اساس فضاهای فراغتی با تأکید بر جنسیت به سه نوع تقسیم گردید. فضاهای فراغتی که فقط زنان حق ورود به آن را دارند، فضاهای فراغتی که منحصراً مردانه تلقی می‌شود و فضاهای فراغتی که متعلق به هر دو جنسیت است. هرچه از عرصه‌های مردانه/زنانه فاصله گرفته و به سمت عرصه‌های منحصراً زنانه نزدیک شویم تأثیر متغیر جنسیت بر فضاهای فراغتی بیشتر خواهد بود. شکل شماره ۱ گویای این مطلب است.



شکل ۱. مدل تأثیر جنسیت بر فضاهای فراغتی

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. جنسیت در فضاهای گذران اوقات فراغت در تهران قدیم

در این بخش به بررسی انواع فضاهای فراغتی تهران قدیم می‌پردازیم. بیشتر اطلاعات درباره تاریخ اجتماعی - فرهنگی تهران به اوایل دوره قاجار و بعد از برگزیده شدن به عنوان پایتخت برمی‌گردد. بر این اساس بیشتر منابعی که در این بخش استفاده شده است مربوط به سفرنامه‌ها و کتبی است که تاریخ تهران را از بعد از پایتخت شدن به تصویر کشیده‌اند. آنچه از منابع تاریخی برمی‌آید این است که در نظام اجتماعی تهران قدیم، زنان دارای نقش چندان فعالی در هیچ یک از امور نبودند و به همین جهت جای چندان در تفریحات نداشتند و سهم و بهره‌ای از سرگرمی‌های رایج نمی‌بردند و جز آن دسته از زنان که همراه با خانواده خود به زیارت اماکن متبرکه می‌رفتند، تقریباً بقیه تفریحات جنبه‌ای مردانه داشت، اما این نکته به این معنی نیست که زنان هیچ‌گونه وسیله تفریحی نداشتند، بلکه آنها نیز دارای یک سری وسایل و امکاناتی برای برپا کردن ایام فراغت خود بودند که از آن جمله می‌توان به برگزاری مجالس روضه خوانی زنانه در منزل، شرکت در مجالس روضه خوانی و مجالس قرائت قرآن و حدیث اشاره نمود که در

تهران قدیم ابعاد گسترده‌ای داشت^۴ [۸، ص ۳۶۶-۳۶۵]. کلارا کولیور رایش همسر یکی از مأموران هیأت‌های مذهبی و تبلیغی مسیحی که در سال‌های قبل و بعد از جنگ جهانی اول در ایران سکونت داشت، در کتابش می‌نویسد «زنان ایرانی بسیار کم و برخی از آنان حتی کمتر از آن، از خانه بیرون می‌روند... زنان ایرانی به میهمانی و سرگرم کردن دوستان خود علاقه وافر دارند... میهمانی‌ها در اندرون برگزار می‌گردد» [۱۹، ص ۱۴۶-۱۴۵]. بر اساس منابع تاریخی به‌طور کلی فضاهای گذران اوقات فراغت تهران از دوره قاجار تا ابتدای دوره معاصر قابل تقسیم به سه دسته می‌باشند.

۵-۱-۱. نخست فضاهای عمومی زنانه

در این فضاها امکان حضور مردان در آنها وجود ندارد. از نمونه این فضاها می‌توان به حمام‌های عمومی اشاره کرد. در سفرنامه‌ها و کتب تاریخی از حمام‌های عمومی به عنوان مکانی برای گذران اوقات فراغت زنان در تهران یاد شده است. برخی این مکان را اینگونه توصیف کرده‌اند: «حمام یا گرمابه عمومی رفتن یکی از جالب‌ترین و هیجان‌انگیزترین رویدادهای زندگی همه طبقات زنان ایرانی است. علاوه بر حمام رفتن هفتگی یا ماهانه که مرتب انجام می‌شود، به مناسبت‌های خاصی نیز حمام می‌روند که عمده‌ترین آنها مراسم نامزدی یا عروسی و یا مهیا شدن برای جشن‌های نوروزی و سال نو است» [۱۹، ص ۱۴۶]. «دو نوع حمام عمومی وجود داشت معمولاً در حمام‌سازی همیشه دو حمام مردانه و زنانه متصل به هم ساخته می‌شد که در حمام مردانه‌اش به معبر عام و در زنانه‌اش از معبر خاص و پس کوچه و بام و مثل آن داده می‌شد که مراجعان آن در معرض دید مزاحمان نبوده و سر و صدایشان به گوش نامحرم نرسیده

۴. حسن بیگی اضافه می‌کند: از سال‌های آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا حدود نهضت مشروطیت تفریحات نسبتاً مدرن‌تری در ایران رواج یافت که گاه امکان استفاده از آنها برای زنان نیز وجود داشت و در مواردی بعضی از خانواده‌های مرفه و متمکن، برگزارکنندگان آنها را به داخل خانه خود دعوت می‌کردند تا اعضای خانواده به طور خصوصی بتوانند از آنها بهره‌مند شوند. مانند مراسم سلام زنانه که توسط مادر ناصرالدین شاه و در ایام نوروز برگزار می‌شد و بسیاری از زنان درباری و طبقات مرفه و نیز برخی زنان اروپایی می‌توانستند حضور یابند.

باشد. نوع دوم حمام‌هایی بود که در محل و کوچه پس کوچه‌ها و نقاط دور از جمعیت ساخته می‌شود که از نظر کمی مشتری دائم نمی‌توانست در دو واحد مردانه و زنانه باشد و ناچار تنها یک حمام ساخته می‌شد که از سحر تا اول آفتاب در اختیار مردان و از آن به بعد یعنی تا غروب به اختیار زنان در می‌آمد» [۱۲، ص ۳ و ۲۸]^۵. «حمام برای بسیاری از زنان مرکز تجمع است تا در آنجا با هم گفتگو و اختلاط بپردازند و تازه‌ترین رویدادهای شهر را با یکدیگر در میان می‌گذارند. آنها اغلب نصف روز را در آنجا بسر می‌برند، شربت می‌خورند یا با ساز و آواز وقت خود را می‌کشند. حمام‌های عمومی در ساعات اولیه صبح به زنان اختصاص دارد» [۴، ص ۲۴۷]. یکی دیگر از فضاهای گذران اوقات فراغت زنان، مراسم سلام زنانه دربار قاجار بوده است که تنها زنان درباری و اعضای خانواده‌های کارگزاران و سرشناسان قاجار می‌توانستند در آن شرکت کرده و گاهی زنان اروپایی را نیز دعوت می‌کردند. در این مراسم که در ایام نوروز برپا می‌شد مردان اجازه ورود نداشتند اما گاهی پادشاه قاجار می‌توانست در این مجلس حضور داشته باشد. پولاک در این باره می‌نویسد: «در ایام نوروز ملکه مادر مراسم سلام زنانه‌ای در محدوده‌ی خود بر پا می‌کند که شاهزاده خانم‌ها و اطرافیان‌شان در آن شرکت می‌کنند و ضمناً از خانم‌های اروپایی نیز در این مراسم دعوت به عمل می‌آید. به این سلام از سر استهزاء «جمعه بازار» می‌گویند. شاه این امتیاز را برای خود قائل شده است که حق داشته باشد در این مراسم حاضر شود و همه حاضران را بدون حجاب تماشا کند. حتی وی کاریکاتورهایی هم از صحنه‌هایی که در چنین مراسمی اتفاق می‌افتد ترسیم می‌کند و این تصویرها تا مدت‌ها اسباب تفریح خاطر درباریان می‌شود» [همان، ص ۲۶۳].

۵. شهری در جای دیگری می‌گوید: حمام رفتن اگر برای مردان جز حمام مختصری نبود که فقط به امر واجبشان می‌خورد، اما برای زنان، محلی که وقت یک صبح تا شبشان را اشغال می‌نمود، از حرف و حدیث و گفتگو و درد و دل و پیش ناهاری و ناهار و عصرانه و آجیل و میوه و شربت و شیرینی و امثال آن خوردن و زدن و خواندن و رقصیدن و ... است» [۱۲، ص ۳۰].

۵-۱-۲. فضاهای فراغتی تهران قدیم شامل فضاهای عمومی مردانه/زنانه

در این فضاها زنان با رعایت شرایط و ضوابط خاصی می‌توانستند حضور داشته باشند. از مهم‌ترین شرایط حضور در این فضاها می‌توان به مواردی چون داشتن پوشش مناسب (شامل چادر و روبنده)، رعایت شرایط زمانی (حضور در ساعات روشن بودن هوا)، گروهی رفتن و اجتناب از حضور در چنین فضاهایی به صورت تنهایی بوده است. در برخی موارد همچون تکایا و حسینیه‌ها، فاصله گرفتن زنان از مردان و قرار گرفتن در جایگاهی مجزا از مردان کاملاً رعایت می‌شد. با رعایت تمام این شرایط آنچه که از منابع و کتب تاریخی برمی‌آید حاکی از آن است که حضور زنان جز در مواردی معدود در این دسته از فضاهای فراغتی بسیار محدود بوده است. مهم‌ترین اصل در فضاهای عمومی مردانه/زنانه بخصوص در مواردی که تفکیکی در محل قرارگیری زنان و مردان انجام نمی‌شد. همچون بازار، تفرجگاه‌ها و ... تلاش زنان برای ناشناس ماندن در این فضاهاست. نوع پوشش برای رسیدن به این هدف به آنها بسیار کمک می‌کرد. چنانچه در کتاب جعفر شهری آمده است «لباس زنان برای کوچه و بازار شامل چادر و چاقچور و روبند و پیچه بود» [۱۱، ص ۵۲۴]. این فضاها شامل تفرجگاه‌ها، قبرستان‌ها و زیارتگاه‌های بیرون شهر و بازارها بوده است. در ادامه به چند نمونه از این فضاها اشاره می‌شود. یکی مهم‌ترین انواع فضاهای فراغتی مردانه/زنانه در تهران قدیم که براساس جنسیت تفکیک می‌شد، تکایا و حسینیه‌ها بوده است. حضور در مراسم عزاداری دهه محرم و ایام عاشورا یکی از اشکال گذران اوقات فراغت زنان تهرانی به‌خصوص از دوره صفویه به بعد بوده است. سفرنامه‌ها و کتب تاریخی به کرات به حضور گسترده زنان در این مراسم اشاره کرده‌اند. پولاک در سفرنامه خود در این باره می‌گوید: «... هرکس باید خود شخصاً ناظر و حاضر باشد تا از شور و شوق حضار و به‌خصوص زنان نسبت به این نمایش‌ها بتواند تصویری بدست آورد» [۴، ص ۲۳۶]. کلارا کولیور راپس در سفرنامه خود می‌نویسد: «زنان شهری با عزم دیدن مراسم شبیه خوانی به محل برگزاری آن هجوم می‌آوردند و همه در کنار هم می‌نشینند. در یکی از این مراسم شمار زنان هزار تن بوده است» [۱۹، ص ۱۷۱]. حسن بیگی نیز در کتاب خود اشاره می‌کند: «استقبال مردم،

به‌خصوص زنان از نمایش‌های مذهبی باعث ازدحام و ناراحتی عزاداران می‌شد و گاهی نیز کار تعزیه را مشکل و حتی مختل می‌ساخت.^۶ مادام کارلاسرنا در سفرنامه خود در این باره می‌نویسد «ورود به تکیه برای عموم آزاد است... زنان جای مخصوصی دارند ولی از هر طبقه که باشند به طور مخلوط با هم در یک جا می‌نشینند» [۸، ص ۳۱۸ و ۳۳۲-۳۳۰] «زنان و مردان درحالیکه از هم جدا می‌نشستند؛ به تعزیه گوش می‌دادند» [۶، ص ۱۸۲] حسن بیگی یکی از تفریحات مردم تهران نشین در گذشته را زیارت بقاع و اماکن متبرکه در روزهای تعطیل و ایام فراغت می‌داند [۸]. کلارا کولیور راپس می‌نویسد: «در ایام بهار و نیز نزدیک نورروز شماری از زنان قلیان و سماور برمی‌دارند و چند ساعتی را در زیارتگاهی در گوشه کشتزاری یا بهتر از همه در باغی می‌گذرانند» [۱۹، ص ۱۶۹]. جعفر شهری در جلد یک کتاب تاریخ اجتماعی شهر تهران در قرن سیزدهم اشاره می‌کند «تفرجگاه‌های شهر کلاً قبرستان‌ها بودند. زنان در دسته‌های چهار یا پنج نفره برای فاتحه اموات خود یا برای ثواب (زیرا زیارت اهل قبور را دارای پاداش اخروی می‌دانستند) یا برای هواخوری و تفریح و تفرج به قبرستان‌ها می‌رفتند. در همین کتاب عکسی از تجمع زنان در قبرستان آورده شده است که در آن قوری و اسباب چای زنان در کنارشان دیده می‌شود» [۱۰، ص ۴۴۶-۴۴۴]. پولاک نیز در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «رفتن به امامزاده‌ها یکی از سرگرمی‌های مورد علاقه زنان است...» [۴، ص ۱۵۸-۱۵۶]. باید گفت زیارتگاه‌هایی که زنان تهران قدیم در اوقات فراغت به آنجا می‌رفتند معمولاً زیارتگاه‌ها و اماکن متبرکه داخل شهر بوده و یا در فاصله اندکی از شهر قرار داشتند. کولیور راپس در این باره می‌نویسد: «نسبت زنانی که به مسافرت می‌روند بسیار کم است.

۶. حسن بیگی اضافه می‌کند: ناصر الدین شاه برای برگزاری این مراسم حسینیه‌ای ساخت که به تکیه دولت معروف شد؛ که سه راه ورودی داشت که راه ورود بازار مخصوص مردان و در مقابل شمس العماره مخصوص زنان بود و در مخصوصی نیز به اندرون باز می‌شد که خاص ورود و خروج شاه، زنان حرم و دیگر درباریان و مقامات دولتی بود. در جای دیگر می‌نویسد: دسته‌های عزادار را در همه موارد مردان تشکیل می‌دادند؛ اما زنان نیز از شرکت در مراسم عزاداری بی‌نصیب نبودند و در حالی که اکثر آنها فرزندان خود را در بغل داشتند در انتهای دسته حرکت می‌کردند» [۸، ص ۳۱۳].

اگر شغل و کار مرد تغییر محل اقامت را ایجاب کند، احتمال دارد اندک شماری از آنها همراه شوهر شوند. به ندرت اتفاق می‌افتد برای آن که زنی به دیدار خویشاوندانی که در دیاری دوردست زندگی می‌کنند نایل آید یا در صورت بیماری برای رساندن او به بیمارستانی که خارجیان اداره می‌کنند رنج سفر را بر خود هموار کنند. بیشتر زنانی که به مسافرت می‌روند عازم زیارتند. زن زمانی که به یک پستخانه یا کاروانسرا می‌رسد باید با حجاب کامل این سو و آن سو برود؛ گویی در شهر مشغول رفت و آمد است. برای یک ایرانی در توقفگاه‌ها کمتر زنی به چشم می‌خورد؛ گاهی یکی از آنها در حالی که تخم‌مرغ، نان یا دوغ برای فروش به قهوه‌چی می‌آورد، می‌توان دید. به دست دادن آمار و ارقام کار مشکلی است. اما فکر نمی‌کنم در مسافرتی که در ایران انجام می‌دهید به ازای هر صد مرد که در راه می‌بینید به یک زن برخورد کنید» [۱۹].^۷ یکی دیگر از تفریحات زنان در دوره سنتی رفتن به بازار بوده است. این فعالیت معمولاً به صورت جمعی و در دسته‌های حداقل دو یا سه نفره انجام می‌شده است. بازار اساساً مکانی مردانه بوده و حضور مردان در آن به مراتب بیشتر از زنان بوده است؛ با این حال زنان درباری در تهران قدیم، با رعایت پوشش مناسب برای ناشناس ماندن و نیز به شرط حضور شوهر، مادر شوهر و یا همراهی که سرپرست وی آن را تأیید کند، برای گذران اوقات فراغت به بازار بیایند. در صورت حضور زنان اعیان و درباری در بازار، مردان ملزم به رعایت شرایط و ضوابطی بوده و اجازه نگاه کردن به این زنان را نداشتند. سفرنامه‌ها و کتب تاریخی درباره‌ی حضور زنان در بازار تهران چنین نوشته‌اند: «در همه بازار صدای قیل و قال زن‌های تهرانی شنیده می‌شود که با آن جمعیت زیاد خود مشغول خرید اشیاء بودند.» [۲۱]. «در طهران، خانم‌های حرم و دربار و اعیان اگر کالسکه و درشکه‌ای داشتند برای گردش و

۷. کولیورایس در جای دیگر می‌نویسد: «کمتر زنی است که پا از شهر خود بیرون نهاده باشد و اگر چنین زنانی یافت شوند استثنا به‌شمار می‌آید. برخی از آنان به زیارت می‌روند و به احتمال تعداد انگشت شماری از آنها به شهرهای دیگر نقل مکان می‌کنند، این امر در صورتی انجام می‌گیرد که کسب و کار شوهرانشان آنها را به شهرهای دیگر بکشاند و ملزم به اقامت کند» [۱۹، ص ۴۰-۴۱].

سواری در آن می نشستند و در شهر گردش می کردند. برای آنکه چشم نامحرم به این خاتون‌ها نیفتد جلو شیشه را پرده سیاه می‌آویختند و هریک از این خواتین را در مقابل عمارتشان درحالی که چندین غلام و دده سیاه هم همراهشان بود و کالسکه‌چی باید تا موقع سوار شدن سر به پایین و دیده بر هم و پشت بدیشان داشته باشد و دسته‌ای فراش و شاطر سواره و پیاده در معیت ایشان حرکت کنند و این افراد وظیفه‌شان این است بود که در مسیر راه مردم را پشت به خیابان‌ها نگاه دارند و عبارت «دورشو، کورشو» را تکرار کنند تا به اصطلاح خانم‌ها را از دیدگاه مرد نامحرم دور بدارند» [۲۱، ص ۵۴۹-۵۴۸].^۸ «به استثنای زنان درباری، همه زنانی که روبند می‌زنند می‌توانند آزادانه به هر کجا که می‌خواهند رفت و آمد کنند، مگر این که شوهران یا مادرشوهرانی سختگیر داشته باشند. گاهی می‌توان زنانی روبندزده را که پیرلوتی «اشباح» می‌خواند در دسته‌های دو یا سه نفری در جاده‌های اصلی در حال تردد مشاهده کرد، هرچند اجازه چنین کاری را ندارند، احتمال دارد در حال رفتن به باغی باشند که روز را در آن بگذرانند یا به گورستانی بر سر قبر دوست یا خویشاوندی که به تازگی درگذشته است بروند. شاید با بقچه لباس بزرگی بر سر، درحال رفتن یا بازآمدن از رودخانه یا نهری باشند که لباس‌های افراد خانواده را در آن جا می‌شویند، به حمام عمومی می‌روند یا از آن برمی‌گردند [۱۹، ص ۴۲-۴۱].^۹ یکی از شیوه‌های گذران اوقات فراغت زنان تهران قدیم،

۸. نجمی در جای دیگر درباره حضور زنان در بازار می‌گوید: «در بازار بانوان نقاب (پیچه و روبنده) بر چهره دارند. زنان سواره یا خاتون سواری اکثراً بدون مرد و دوتا دوتا در حرکت‌اند و یا به صورت دسته جمعی. آنها چه به صورت سواره و چه پیاده با نهیب و فریاد فراش‌ها به‌طرف مقصد روان هستند و هیچکس در باز کردن راه به آنها یاری نمی‌کند» [۲۱، ص ۳۲].

۹. کولیورایس در جای دیگر می‌نویسد: «آداب و رسوم در تهران قدیم اجازه نمی‌داد که مرد و زن در کنار یکدیگر و در انظار عمومی ظاهر شوند یا در کالسکه‌ها و تخت-روان‌ها به‌سوی مقصد حرکت کنند، لذا هر کدام جداگانه با وسایل مخصوص، کالسکه یا قاطر و اسب به‌راه می‌افتادند» [۲۱، ص ۸۱]. «هنگامی که زن و مردی همراه یکدیگر در کوچه و خیابان ظاهر می‌شوند همواره مرد در جلو گام بر می‌دارد و گاه دیده می‌شود که با زن، پشت سر او حرکت می‌کند مشغول گفت و گوست» [۱۹، ص ۷۹].

شرکت در مراسم و جشن‌ها بوده است. غالب این مراسم‌ها در فضاهای عمومی برگزار می‌گردید. حضور زنان در این فضاها نیز در صورتی ممکن بود که پوشش مناسب داشته باشند. در میان نقاشی‌ها و مینیاتورهای ایرانی، چهره زنان ایرانی در مجالس عمومی به گونه‌هایی متفاوت ترسیم شده است. از مجالس بزم نمونه‌های زیادی به تصویر کشیده‌اند. حاضران این مجالس بیشتر زنان هستند که در شادی شرکت می‌کنند؛ در آثار مردم‌گرا و در زندگی مردم عادی نیز هنگامی که مهمانی متشخص دعوت دارد، زن‌ها در چادری دیگر می‌مانند و نزد مهمان‌ها نمی‌آیند و به طبخ و آماده‌سازی وسایل پذیرایی مشغول‌اند. در دربارها نیز همه وقت، زن‌ها حضور ندارند؛ به‌خصوص در اعیاد مذهبی یا آمدن سفرا و دیدارها و مناظرات و مباحثات علمی. به غیر از تصویر کردن زنان در مجالس خاص یا در حین انجام دادن کارهای خانه، بیشترین جایی که زنان با جمعیت زیاد در آنها دیده می‌شوند، مجالس وعظ و سماع دراویش است، با حفظ جداسازی‌هایی که اکنون نیز متداول است [۷، ص ۲۲۲-۲۲۱]. حضور چشمگیر زنان در روزهای پایانی سال و با انگیزه‌های مختلف در عرصه‌های عمومی قابل توجه بوده است. یکی از مراسم و آیین‌هایی که در تهران آن زمان در فضاهای عمومی برگزار می‌شد، مراسم آتش بازی در شب اعیاد اعم از مذهبی یا ملی (عید نوروز) بوده است که همه مردم چه زن و چه مرد، غنی و فقیر، پیر و جوان در این مراسم جشن و شادمانی شرکت می‌کردند [۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۶]. یکی دیگر از آیین‌هایی که اجرای آنها بازتاب فضایی در جامعه شهری تهران قدیم داشت، مراسم سیزده بدر بوده است. روز سیزدهم فروردین و در پایان ایام نوروز، مطابق با یک رسم کهن همه از شهر خارج و به دشت و صحرا می‌روند. زنان نیز همراه مردان و فرزندان خود در چنین روزی به سوی باغ‌ها و تفرجگاه‌های اطراف شهر تهران هجوم می‌آوردند. پولاک در سفرنامه خود اشاره می‌کند: «... همه به‌خصوص زنان از دروازه شهر خارج می‌شوند و به باغ‌ها روی می‌آورند. برای اینکه تاحدودی از هجوم زنان به خارج شهر جلوگیری شود به دستور کلانتر از هر زنی عوارض ناچیزی وصول می‌شود [۴، ص ۲۵۶]. از نمونه مراسم‌های قدیمی ایرانیان که در واقع نوعی گذران اوقات فراغت نیز محسوب می‌شد می‌توان به مراسم ازدواج اشاره کرد.

در مراسم عروسی از دیرباز مردان وارد مجالس زنانه نمی‌شدند. کولیوررایس درباره نحوه حضور زنان در مراسم عروسی می‌نویسد: «روز عروسی میهمانان بسیاری در جشن شرکت می‌کنند، البته مردان و زنان از هم جدا می‌نشینند. عروس را در اتاقی می‌نشانند و تمام میهمانان زن به آنجا سر می‌زنند... اغلب پسران رقصنده، مردان و دختران رقصنده که چون پسران لباس می‌پوشند و آن روز «اندرونی» را جان و روح می‌بخشند، زنان را سرگرم می‌کنند [۱۹، ص ۱۰۶].»

۵-۱-۳. فضاهای فراغتی منحصراً مردانه

زنان در تهران قدیم اجازه حضور در چنین فضاهایی را برای گذران اوقات فراغت نداشتند. از مهم‌ترین این فضاها می‌توان به قهوه‌خانه‌ها اشاره کرد.^{۱۰} نوربخش درباره قهوه‌خانه می‌نویسد: «در قهوه‌خانه‌ها هیچ زنی دیده نمی‌شد». وی در ادامه از مادام دیولافوا در سفرنامه خود نقل می‌کند که می‌گوید: «در تهران چایخانه‌ها زیادند و در هر محله و خیابان چایخانه‌های متعددی برای طبقات مختلف وجود دارد که همه آنها برای استراحت و صحبت و اختلاط مردان است [۱۲، ص ۱۰۵۸]. کلارا کولیوررایس در این باره می‌گوید: «هرگز زنی را در حال نوشیدن چای در قهوه‌خانه‌ای که دسته دسته مردان در آنجا گرد هم می‌آیند، نمی‌توان یافت» [۱۲] یکی دیگر از انواع فضاهای فراغتی مردانه که زنان اجازه ورود به آن را نداشتند زورخانه‌ها بوده است. ۱۱ در هیچ سفرنامه و کتابی اشاره‌ای به حضور زنان در این مکان نشده است. چنانچه پولاک از زورخانه به عنوان یک ورزشگاه عمومی که مردان به آنجا می‌روند سخن گفته است [۴، ص ۱۳۸-۱۱۸]. یکی از مظاهر مدرنیسم در تهران قدیم و در اواخر دوره قاجار؛ پیدایش اغذیه‌فروشی‌ها و مراکز تهیه و طبخ غذای آماده به عنوان فضایی برای گذران اوقات فراغت بوده است. این مراکز در ابتدای پیدایش مکان‌هایی صرفاً مردانه بوده و زنان اجازه ورود به آن را نداشتند. در

۱۰. جعفر شهری در این باره می‌نویسد: یکی از اماکن تفریح و وقت‌گذرانی مردم تهران قهوه‌خانه بود...،

در هر محل یکی دو قهوه‌خانه بزرگ و چند قهوه‌خانه کوچک وجود داشت [۱۱، ص ۳۹۹-۳۹۸]

۱۱. زورخانه محلی بود که در آن ورزش باستانی انجام می‌گرفت. یعنی تمرین و تعلیم تیر و کمان و گرز

و شمشیر و سپر و آنچه که در زمان‌های قبل معمول بوده به کار گرفته می‌شد [۱۳، ص ۲۴۴]

این باره جعفر شهری در کتاب خود می‌نویسد: «در این دوره در سطح شهر تهران اغذیه فروشی‌ها و چلوکبابی‌ها به وجود آمد... از این غذاها خانم‌ها محرومیت داشتند، چه جایی برایشان در این اغذیه فروشی‌ها وجود نداشت.» [۱۲، ص ۵۲۲]^{۱۲}. همان‌طور که ملاحظه شد مهم‌ترین عرصه‌های فراغتی زنانه در فضاهای خصوصی بوده و عرصه‌های عمومی در زمینه فضاهای فراغتی برای زنان دارای محدودیت‌های زیادی بوده است. پولاک درباره نحوه گذران اوقات فراغت زنان در تهران می‌نویسد: «در طبقات فقیر زنان کلیه کارهای منزل را انجام می‌دهند و بقیه اوقات را به پشم‌ریسی می‌پردازند. زنان اعیان تقریباً تمام وقت خود را به حمام رفتن، قلیان کشیدن، دید و بازدید، خوردن شیرینی‌های مختلف و میوه‌های چربی‌دار از قبیل گردو، پسته و بادام، نوشیدن چای و قهوه می‌گذرانند...» [۴، ص ۱۵۸-۱۵۶].

۲-۵. زنان در فضاهای فراغتی تهران در دوره معاصر

با ورود مدنی‌زاسیون و شکل‌گیری جامعه مدرن، فضای خصوصی کوچکتر شده و مردمان روبه عرصه‌های عمومی آوردند. در نتیجه حضور زنان هم در این عرصه‌ها بیشتر شد. گذران اوقات فراغت که اساساً یک پدیده مدرن محسوب می‌شود در عرصه‌های عمومی شکل گرفت. محل کار از خانه فاصله گرفت؛ حمل و نقل عمومی گسترش یافت. مدرنیسم باعث افزایش اوقات فراغت و به دنبال آن پیدایش مکان‌ها و فضاهای ویژه‌ای برای سپری کردن این اوقات شد. فضاهای فراغتی جدید در جوامع امروزی زاییده مدرنیسم محسوب می‌شود. در دوره معاصر فضاهای فراغتی یکی از حوزه‌های مهم مطالعات شهری است و فضاهای شهری وسیعی را دربرمی‌گیرد از جمله:

۱۲. وی ادامه می‌دهد: اگرچه در همه پزندگی‌ها و خوراکی فروشی‌ها به این حالت بودند، از آنجاکه حکم حاکمان شرع حضور زنان را در مجامع مردان منع کرده بود (آنچنان تأکیدی که حتی جای جداگانه نیز برایشان نمی‌شد در نظر گرفت) هرچند زن بیچاره در بازار از گرسنگی از پا درمی‌آمد؛ تنها زمانی می‌توانست از چلوکباب بهره ببرد که مردش آن را در ظرفی خریده و به خانه ببرد.» [۱۲، ص ۵۶۱-۵۶۰].

۱. فضاهای تغذیه نظیر رستوران‌ها، رستوران‌های غذاهای حاضری، کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کافی‌نت‌ها و نظایر آن که براساس مشخصات فرهنگی، اجتماعی مصرف‌کنندگان خود به شدت قشربندی و تفکیک شده‌اند و بارهای معنایی خاص و نشانه‌هایی قابل مطالعه دارند.
۲. فضاهای ورزشی و ورزشگاه‌ها، سالن‌های ورزشی، باشگاه‌های تندرستی و بدنسازی، زمین‌های ورزش درون‌شهری و محله‌ای (فضاهای غیرهنجاری ورزشی مثل خیابان‌ها، زمین‌های بایر محل فوتبال کودکان و نوجوانان).
۳. فضاهای بازی نظیر انواع کلوپ‌ها و باشگاه، بازی‌های فکری، فضاهای بازی درون آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها، این فضاها غالباً با فضاهای ورزشی همپوشانی دارند.
۴. فضاهای فرهنگی نظیر سالن‌های کنسرت، تئاتر، سینما، کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها که غالباً دارای جمعیتی متغیر و ناپایدارند و مطالعه بر آنها کاری دشوار است
۵. فضاهای تفریحی متفرقه نظیر پارک‌های تفریحی، مکان‌های گشت‌وگذار و دیدنی، آثار تاریخی [۹].

یکی از مهم‌ترین رویدادها در شکل‌دهی فضاهای فراغتی در اوایل دوره معاصر تصویب قانون کشف حجاب در عرصه‌های عمومی در اوایل قرن و تصویب قانون رعایت و الزام حجاب در اواخر قرن حاضر بوده است. قانون کشف حجاب در نوع و میزان حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر بسیار زیادی برجا گذاشت. از سوی دیگر این دوره آغاز تشدید مظاهر مدرنیسم به فضاهای شهری به شمار می‌آید. در این دوره فضاهای عمومی جدیدی مثل کافه، سینما، تئاتر، رستوران و ... به‌وجود آمد که زنان و مردان می‌توانستند در این مکان‌ها حضور بیابند و در کنار هم بنشینند [۱۲، ص ۳۸۶] در برخی از فضاها مانند سینما در ابتدا فقط مردان حضور می‌افتند اما کم‌کم زنان نیز وارد شدند و همین موضوع باعث شد که فضا را تفکیک کنند. در این دوره برای اولین بار از زنان برای نمایش و تئاتر استفاده شد [۲۲، ص ۲۱۷۱]. تفکیک جنسیتی در دوره قبل از انقلاب اسلامی نیز تا حدودی وجود داشت به عنوان مثال در سینماها، مراکز تفریح

شیانه و رستوران‌ها نوعی تفکیک فضا حاکم بوده است. مثلاً در رستوران‌ها قسمتی برای مردان مجرد و قسمت دیگر برای خانواده‌ها و دخترانی که به تنهایی یا بدون یک مرد وارد رستوران می‌شدند در نظر گرفته می‌شد. در دوره پهلوی استخرها و مراکز ورزشی زنانه و مردانه تأسیس شد که به صورت جداگانه و رعایت تفکیک جنسیتی فعالیت می‌کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷/ش شکل و میزان حضور زنان در عرصه‌های عمومی دگرگون شد. چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان موظف به رعایت پوشش اسلامی برای ورود به عرصه‌های عمومی شدند. در این دوره حضور زنان در فضاهای فراغتی در صورتی ممکن شد که زنان پوشش و حجاب مناسبی داشته باشند. یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی به فضاهای فراغتی در این دوره تفکیک جنسیتی فضا می‌باشد. در همین راستا فضاهای فراغتی جدیدی مثل پارک بانوان، پارک‌های آبی، سالن‌های مد، لباس و آرایش و کنسرت‌های موسیقی برای بانوان به وجود آمد. قانون رعایت و الزام حجاب و تفکیک جنسیتی فضا، به دلیل فراهم کردن شرایط امن‌تر و مطلوب‌تر برای زنان باعث حضور بیشتر زنان به خصوص افراد پایبند به فرایض دینی در فضاهای فراغتی شد. براین اساس فضاهای فراغتی در دوره معاصر نیز به سه دسته تقسیم می‌شود. فضاهای فراغتی منحصراً زنانه از حمام‌های عمومی و مراسم سلام زنانه به مکان‌هایی همچون پارک بانوان تغییر یافت. تجربه و تحقیقات مختلفی که در این زمینه در تهران شده است نشان می‌دهد که علی‌رغم آنکه این شکل از فضا به نوعی باعث خصوصی کردن فضای عمومی است، اما بسیاری از زنان تهرانی از عملکرد چنین فضاهایی ابراز رضایت کرده و در آن احساس امنیت بیشتری می‌کنند [۱۶]. یکی دیگر از فضاهای فراغتی زنانه تهران معاصر، تالارهایی است که به اجرای موسیقی برای بانوان می‌پردازد. چنین مراسمی معمولاً در روزهای خاصی از سال و به مناسبت‌های مختلف با حضور زنان برگزار می‌شود. در این مراسم مردان اجازه ورود نداشته و زنان می‌توانند به تنهایی در این کنسرت‌ها حضور داشته باشند. از دیگر فضاهای صرفاً زنانه می‌توان به مراسمی همچون جلسات قرآن خوانی و اصطلاحاً سفره یا روضه نام برد. سفره یا روضه مراسمی است که زنان (معمولاً مسن و میان سال) در آن دور هم جمع می‌شوند و به

اعمالی همچون قرآن خواندن، ذکر مصیبت ائمه و آموزش احکام دین می‌پردازند. در چنین مراسمی مردان حق شرکت ندارند. یکی از مراسم مشابه سفره، مولودی خوانی است که به مناسبت‌هایی همچون سالروز تولد ائمه و یا اعیاد مذهبی چون مبعث، عید غدیر خم و ... زنان دور هم جمع شده، عده‌ای با نواختن دف شعرهای مذهبی می‌خوانند و شادمانی می‌کنند. نمونه این مراسم در دوره پیش مدرن هم وجود داشته است. همان‌طور که در بخش پیش اشاره شد از دیرباز یکی از مکان‌های فراغتی برای زنان در تهران مکان‌های زیارتی و مساجد می‌باشد. در این دوره نیز فضاهای زیارتی همچون مقبره امامزادگان و مساجد به عنوان یکی از مکان‌هایی به شمار می‌آیند که برخی از زنان تهرانی اوقات فراغت خود را در آن می‌گذرانند. هر چند این فضاها صرفاً جنبه فراغتی نداشته و بیشتر به عنوان فضاهای مذهبی عمل می‌کنند اما از دیرباز در تهران و سایر شهرهای ایران فضاهای چند عملکردی محسوب شده و مقصد و مکانی برای گذران اوقات فراغت به خصوص برای زنان میان‌سال و مسن محسوب می‌شوند. تفکیک جنسیتی در چنین فضاهایی نه در تهران و نه سایر شهرهای ایران تغییر چندانی نکرده است. در تمام زیارتگاه‌ها، مساجد و امامزادگان مستقر در تهران نیز قسمتی برای زیارت بانوان و قسمتی برای مردان در نظر گرفته شده است تا هنگام زیارت تماسی با هم نداشته باشند. با این حال مردان اجازه ورود به برخی از مقابر امامزادگان همچون بی‌بی شهربانو در جنوب تهران را نداشته و تنها زنان می‌توانند داخل شوند. در تهران معاصر زنان همچنان ورود به فضاهای فراغتی همچون قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها ممنوع است و این مکان‌ها همانند گذشته فضاهای فراغتی صرفاً مردانه محسوب می‌شوند. هر چند زنانی در قالب راهنمایان تورهای گردشگری و برای آشناکردن گردشگران با چنین فضاهایی به عنوان مراکز انتقال فرهنگ ایرانی می‌توانند وارد چنین فضاهایی شوند؛ اما این مکان‌ها به روی عموم زنان بسته است. یکی از فضاهای دوره جدید صرفاً مردانه در تهران ورزشگاه‌ها و استادیوم‌های ورزشی هستند که در حال حاضر زنان اجازه ورود به چنین فضاهایی را ندارند. یکی از مهم‌ترین تغییرات فضاهای فراغتی تهران از گذشته تاکنون را باید در فضاهای فراغتی مردانه/زنانه جستجو کرد. در دوره سنتی حضور زنان

در چنین فضاهایی بسیار محدودتر از مردان بوده؛ به طوری که حتی برخی فضاهایی همچون بازار را مردانه می‌دانستند. در حال حاضر حضور زنان در فضاهای فراغتی همچون تفرجگاه‌ها و بوستان‌ها، جشن‌ها و مراسم ملی و مذهبی، سینما و تئاتر، رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها چشمگیرتر از دوره قبل شده است. برخی از فضاهای فراغتی که در دوره قبل به هر دو جنس و گاهی به دلیل حضور بسیار زیاد مردان تا حدود زیادی مردانه تلقی می‌شد؛ در این دوره شاهد حضور بیشتر زنان در خود می‌باشند. از نمونه این فضاها می‌توان به بازارها اشاره کرد. بازار در دوره قبل تا حدود زیادی فضایی مردانه محسوب می‌شد حال آنکه در دوره معاصر بازارهای مدرن و مراکز خرید به عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های گذران اوقات فراغت زنان تهرانی به شمار می‌آیند. برخلاف دوره گذشته که زنان جز برای خرید و بر حسب ضرورت از خانه خارج نمی‌شدند در این دوره بازارهای مدرن و به خصوص مراکز خرید و پاساژها مکانی برای پر کردن اوقات فراغت زنان در تهران محسوب می‌شود. به طوری که حضور زنان به عنوان خریدار به خصوص در پاساژها بیشتر از مردان بوده و این نوع فضاها در حال تبدیل شدن به فضاهای زنانه هستند. به طور کلی در دو دهه‌ی اخیر، تحولات فرهنگی و اجتماعی که به روشن‌ترین شکل در دگرگونی سبک زندگی روزمره تجلی می‌یابد باعث شده که زنان وارد فضای عمومی شوند. سه عامل کلیدی: ارتقای سطح تحصیلات دانشگاهی (ارتقای سطح سرمایه فرهنگی نهادی)، تغییر در الگوی مصرف و سبک زندگی و افزایش میزان اشتغال زنان، آنها را به سوی فضاهای عمومی سوق داده است. الگوهای فراغت دختران جوان شهری که از شکل انفعالی و درون‌خانگی به شکل فعالانه و برون‌خانگی تغییر کرده است، اکنون دیگر محدود به استراحت در خانه، تماشای تلویزیون، ویدئو و ماهواره و مطالعه کتاب و روزنامه نمی‌شود، بلکه ورزش، سینما، موزه‌ها، پارک‌ها و کافی‌شاپ‌ها و به ویژه مراکز خرید را نیز در بر می‌گیرد [۲۰]. یکی از اشکال عرصه‌های عمومی جدید که با ظهور جهانی شدن و انقلاب اطلاعات و ارتباطات به وجود آمده؛ فضاهای مجازی در قالب شبکه‌های اینترنتی است. این فضا به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد همچون امکان ناشناخته ماندن و دسترسی راحت، جذابیت زیادی برای گروه‌های اجتماعی ایجاد

کرده است. ظهور چنین فضایی امکان حضور و خودنمایی بیشتر در عرصه‌های عمومی را برای زنان فراهم کرده است. بنا به گزارش اتحادیه بین‌المللی ارتباطات، در سال ۲۰۰۳، شمار کاربران اینترنتی زن در ایران به نزدیک ۵۰ درصد (۰/۴۹) کل کاربران کشور رسید [۲۷]. این آمار شامل ۱۱/۵ میلیون کاربر زن ایرانی است که بالاترین درصد نرخ دسترسی به اینترنت در میان کشورهای اسلامی در خاورمیانه است [۲۸، ص ۴۵]. تفکیک جنسیتی در چنین فضاهایی صورت نمی‌گیرد و زنان آزادانه می‌توانند در این عرصه حضور یابند. امروزه در ایران اینترنت یکی از شیوه‌های گذران اوقات فراغت به‌خصوص برای زنان محسوب می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی سیر تغییرات فضاهای گذران اوقات فراغت زنان در شهر تهران از دوره قاجار تاکنون نشان می‌دهد:

- فضاهای گذران اوقات فراغت از دوره قاجار تا دوره معاصر به سه دسته فضاهای منحصراً زنانه، منحصراً مردانه و فضاهای متعلق به هر دو جنس قابل تقسیم است.
- از فضاهای گذران اوقات فراغت صرفاً زنانه می‌توان به حمام عمومی و مراسم سلام زنانه در تهران قدیم؛ پارک بانوان، سالن‌های اجرای موسیقی برای بانوان، جلسات روضه و مولودی خوانی، برخی مکان‌های زیارتی، سالن‌های مد، لباس و آرایش، پارک‌های آبی و ... در تهران معاصر اشاره کرد.
- فضاهای گذران اوقات فراغت صرفاً مردانه شامل قهوه‌خانه، زورخانه، اغذیه‌فروشی و مراکز طبخ غذای آماده در تهران قدیم و استادیوم‌های ورزشی در تهران معاصر می‌باشد.
- فضاهای گذران اوقات فراغت متعلق به هر دو جنس شامل بقاع متبرکه و زیارتگاه‌ها، تفرجگاه‌ها، قبرستان‌ها، مراسم جشن آتش‌بازی، مراسم سیزده بدر، مراسم جشن ازدواج و بازار در تهران قدیم؛ تفرجگاه‌ها و بوستان‌ها، جشن‌ها و مراسم ملی و

- مذهبی، سینما، تئاتر، کافی شاپ، رستوران، شهربازی‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های اینترنتی در دوران معاصر می‌باشد.
- نقش جنسیت در عرصه‌های گذران اوقات فراغت صرفاً زنانه بیشتر از دو فضای دیگر است به این معنی که هم در گذشته و هم در شرایط کنونی ورود مردان به فضاهای فراغتی کاملاً زنانه بسیار محدودتر از تحرک زنان در فضاهای فراغتی کاملاً مردانه بوده است.
- فضاهای فراغتی زنان در گذشته بیشتر منحصر به فضاهای خصوصی بوده و فعالیت‌های فراغتی در عرصه‌های عمومی مردانه محسوب می‌شده است.
- در دوره معاصر مدرنیسم با ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی جدید و نیز خلق فضاهای جدید امکان حضور زنان در فضاهای گذران اوقات فراغت را بیشتر نمود.
- در دوره معاصر بسیاری از فضاهای فراغتی از انحصار مردان درآمده و به محیط‌های خنثی نسبت به مسئله جنسیت تبدیل شده‌اند و بنابراین زنان حضور بیشتری در فضاهای فراغتی پیدا کرده‌اند.
- شکل و میزان حضور زنان در فضاهای مربوط به گذران اوقات فراغت بعد از دوره مدرنیسم دگرگون گردید. تفکیک جنسیتی همچون شمشیر دولبه عمل کرده که از یک سو مانع حضور زنان به برخی فضاهای گذران اوقات فراغت شده و از سوی دیگر امکان بهره برداری زنان از فضاهای فراغتی نوظهور بعد از مدرنیسم را بیشتر نموده است.

منابع

- [۱] اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۷). «اینجا طهران است»، مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ هجری قمری تهران: تاریخ ایران.
- [۲] پورا احمد، احمد؛ موسوی، سیروس (۱۳۸۹). «ماهیت اجتماعی شهراسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر / ایرانی-اسلامی، سال دوم، ۱-۱۱.

- [۳] پورمحمدی، محمد؛ سبحانی، زهرا (۱۳۸۸). «پژوهشی در سنجش عوامل تأثیرگذار بر دیدگاه استفاده کنندگان از فضاهای فراغتی در شهر تهران»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال اول، شماره اول، ۵۱-۷۶.
- [۴] پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- [۵] دومازدیه، ژوفر (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت*، در کتاب *خانواده، آموزش و فرهنگ*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۶] تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۵). *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: دارالخلافه ناصری*، جلد دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- [۷] حجازی، بنفشه (۱۳۷۶). *به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفویه)* تهران: نشر علم.
- [۸] حسن بیگی، م (۱۳۶۶). *تهران قدیم*، تهران: انتشارات ققنوس.
- [۹] رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷). برگرفته از <http://www.anthropology.ir> (سایت انسان‌شناسی و فرهنگ)
- [۱۰] شورت، جان رنه (۲۰۰۹). *نظریه شهری - ارزیابی انتقادی*، ترجمه کرامت الله زیاری، حافظ مهد نژاد و فریاد پرهیز، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۱] شهری، جعفر (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار...* جلد ۱، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [۱۲] شهری، جعفر (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار...* جلد ۲، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [۱۳] شهری، جعفر (۱۳۶۷). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار...* جلد ۳، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- [۱۴] صادقی، رسول؛ بلالی، اسماعیل؛ محمدپور، احمد (۱۳۸۸). «نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت»، *رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۹، ۳۵۷-۳۸۹.
- [۱۵] علیرضانژاد، سهیلا؛ سرائی، حسن (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۰، ۱۲۳-۱۴۹.
- [۱۶] فرهودی، رحمت الله (۱۳۸۸). طرح پژوهشی «بررسی تأثیر فضاهای فراغتی بر گذران اوقات فراغت زنان (مطالعه موردی بوستان بهشت مادران) در دانشگاه تهران».
- [۱۷] فلاحت، محمدصادق؛ کلامی، مریم (۱۳۸۷). «تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان»، *مدیریت شهری*، شماره ۲۲، ۸۵-۹۸.

- [۱۸] فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). *انسان شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- [۱۹] کولیوررایس، کلارا (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.
- [۲۰] محمدپور، احمد؛ بهمنی، مریم (۱۳۸۹). «زنان، پاساژ و مصرف نشانه‌ها»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، سال دوازدهم، شماره ۴۷، ۴۱-۷۲.
- [۲۱] نجمی، ناصر (۱۳۸۶). *تهران قدیم*، تهران: جانزاده.
- [۲۲] نوربخش، مسعود (۱۳۸۱). *تهران به روایت تاریخ*، جلد ۴، تهران از سلطنت احمدشاه تا انقراض قاجاریه، تهران: نشر علم.

- [23] Alizadeh, Hooshmand (2007) Changes conceptions of women's public space in the Kurdish city, *Cities*, Vol. 24, No. 6, p. 410-421
- [24] Amir-Ebrahimi. Masserat (2006). Conquering enclosed public spaces, *Cities*, Vol. 23, No. 6, p. 455-461
- [25] ITU, (2008). Year Book of Statistics: Telecommunication Services Chronological Time Series 1997-2006. ITU Publications Geneva, Switzerland.
- [26] Kian-Thie'baut, Azadeh (2004) "Women's movement in postrevolutionary Iran", in *Iran today, twenty five years after the Islamic revolution*, Hamid Ansari (ed.), Proceedings of the Conference held at the Observer Research Foundation in New Delhi on March 8-9, 2004
- [27] M.lubeck, Paul; Britts, Bryana;. (2001). *Muslim Civil Society in Urban Public Spaces: Globalization, Discursive, Shifts and Social Movements*. Center for Global, International and Regional Studies, University of Canada, Sunta Cruz.
- [28] Mazumdar, S and Mazumdar, S (2001) Rethinking public and private space: religion and women in Muslim society. *Journal of Architectural and Planning Research* 18(4), 302-324.
- [29] Shirazi, F. (2012). Information and communication technology and women empowerment in Iran. *Telematics and Informatics*, Pages 45-55.
- [30] UNDP (1999). *United Nations Human Development Report*. Newyork: United Nations Development programme (UNDP). 85-98.